

مسئولیت مدنی ضابطان دادگستری^۱

دکتر بختیار عباسلو^۲

چکیده

حوادث زیانباری که ضابطان دادگستری موجب آن می‌شوند یا از طریق انجام دادن فعل همراه با تقصیر یا انجام دادن فعل بدون تقصیر و یا ترک فعل تحقق می‌یابد. در موردی که فعل موجب مسئولیت مدنی می‌شود، ممکن است فعل بلاواسطه موجب خسارت شود. یا ممکن است فعل با واسطه موجب حادثه زیانبار گردد. گاهی نیز ترک فعل مبنای مسئولیت ضابطان می‌شود. در این مقاله تلاش گردیده تا در هر مورد ضمن تبیین مبانی آن، مصادیق وقایع زیانبار از نظر حقوقی مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. در پایان معافیت ضابطان از مسئولیت مدنی تحت عناوین قاعده تحذیر، اضطرار، پذیرش خطر توسط زیان‌دیده، اعمال حاکمیت، اجرای دستورهای قضایی اشتهاب یا نادرست و دفاع مشروع مورد بررسی قرار گرفته است. ضمناً در اغلب موارد با مطالعه تطبیقی، راه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته و راه حل مناسب انتخاب شده است.

واژگان کلیدی

مسئولیت مدنی، ضابطان دادگستری، پلیس و دادگستری، حقوق عمومی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۹

۲. استادیار دانشگاه علوم انتظامی. پست الکترونیکی: Email: nezarat.bazresi.pajooresh@gmail.com

مقدمه

حفظ نظم و امنیت اجتماع به طور مستقیم و فوری از طریق اجرای قانون بر عهده ضابطان دادگستری است و به دلیل فوریت امر و ماهیت مأموریت‌های پلیسی و عدم فرصت برای بررسی جوانب تصمیم گرفته شده، امکان دقت لازم در این قبیل مأموریت‌ها نیست. در نتیجه، خطاپذیری این اقدامات و به تبع آن، حوادث زیانبار ناشی از آن، احتمال دارد. به این دلیل امروزه پرونده‌های متعددی در خصوص مسئولیت مدنی ضابطان در محاکم تشکیل شده است، ولی برای تعیین مسئولیت مدنی آنها روش واحد و مشخصی حاکم نیست و یا بعضاً احکام دادگاه‌ها بدون توجه به مبانی و قواعد مسئولیت مدنی در این مورد صادر می‌شود. به طور مسلم اهدافی که از ایجاد و برقراری مسئولیت مدنی در این مورد وجود دارد در چنین وضعیتی که با ابهام و بلاتکلیفی همراه است، نمی‌تواند محقق شود. برای این مهم با توجه به اینکه از یک سو باید مسئولیت مدنی بر اساس مقررات و قواعد قانونی برقرار شود و از سوی دیگر، مسئولیت مدنی بعضی از مشاغل، صراحتاً در قوانین مشخص نشده، لازم است مسئولیت مدنی این قبیل مشاغل، که یکی از مهمترین آنها شغل پلیسی است بر اساس قواعد موجود مسئولیت مدنی، تبیین شود؛ لذا با مد نظر قرار دادن قواعد و مبانی قانونی در این خصوص و تا حد مقدور مطالعه تطبیقی و توجه به نظریه‌های حقوقدانان و سایر اصول و موازین حقوقی، سعی شده است در حد ممکن، این نوع مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار گیرد. مشخص شدن شرایط مسئولیت مدنی ضابطان دادگستری، علاوه بر اینکه موجب دقت و مراقبت بیشتر آنها در اجرای مأموریت‌های پلیسی و به نوعی اصلاح رفتار می‌شود، باعث آشنایی زیاندیدگان از این حوادث نسبت به موارد مسئولیت و عدم مسئولیت مدنی ضابطان هم می‌گردد که علاوه بر تأثیر در اصلاح رفتار زیاندیدگان از این حوادث، امکان احقاق حق نامبردگان را نیز فراهم می‌سازد.

۱. مسئولیت مدنی ناشی از انجام دادن فعل

مسئولیت در این مورد ناشی از انجام دادن فعلی است که نامبردگان در راستای اجرای وظایف خود به آن مبادرت می‌کنند. اگر این فعل بلاواسطه موجب حادثه زیانبار شود و با تقصیر همراه باشد، ضابطان در مقابل زیان‌دیده اعم از شخصی که مورد عملیات پلیسی قرار

گرفته یا سایر اشخاص به عنوان مباشر مقصر^۱، مسئول هستند. اگر ضابطان در انجام دادن فعل، مقصر نباشند، هر چند بر اساس قاعده اتلاف شخصاً مسئول هستند بر اساس قواعد خاص از جمله ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، شخصاً مسئول نیستند؛ بلکه مسئولیت بر عهده دولت خواهد بود. ولی اگر فعل ارتكابی از سوی ضابطان با واسطه موجب خسارت شود، وقتی موجب مسئولیت می‌شود که این فعل غیر مجاز یا به تعبیر دیگر با تقصیر همراه باشد. اگر چنین فعلی با تقصیر توأم نباشد با توجه به اینکه مبنای مسئولیت در این مورد قاعده تسبیب است در چنین مواردی که ضابطان دادگستری فعل مجازی انجام داده‌اند که با واسطه موجب خسارت می‌شود مانند تعقیب و گریز متهم فراری به دلیل اینکه در چنین مواردی مسئولیت مدنی صرفاً باید بر اساس قاعده تسبیب موجب مسئولیت مدنی گردد و شرط لازم در تسبیب، تقصیر است و نامبردگان در چنین موردی مرتکب تقصیر نشده‌اند؛ عهده‌دار مسئولیت هم نیستند. اگر علاوه بر فعل پلیس، زیان‌دیده یا شخص دیگری در حادثه زیانبار دخالت داشته باشد، تعیین مسئولیت با توجه به نقش هر کدام بر اساس قواعد مربوط، حسب مورد و به شرح ذیل تعیین خواهد شد.

۲. مسئولیت مدنی ناشی از فعل همراه با تقصیر

فعل خطاکارانه بر دو نوع است: فعلی که بلاواسطه موجب حادثه زیانبار می‌شود از قبیل تیراندازی غیر مجاز یا شکنجه متهمی که به صدمه و آسیب وی منجر می‌شود؛ یا اجرای اشتباه حکمی بدون دقت لازم مانند قلع اشتباهی بنا و ساختمانی. گاهی فعل همراه با تقصیر با واسطه، موجب خسارت دیگری می‌شود؛ به تعبیر دیگر فعل فاعل با واسطه امر دیگری موجب زیان می‌گردد. ولی اگر این فعل انجام نمی‌شد، خسارت نیز به بار نمی‌آمد؛ از قبیل متوقف کردن وسایل نقلیه در محل غیر مجاز و غیر قابل رؤیت، توسط مأموران راهنمایی و رانندگی که به تصادف و برخورد وسیله نقلیه در حال حرکت دیگری با آن منجر می‌شود. بعضی از این فعلها از قرار ذیل است:

۱. مقصود از مباشر مقصر، شخصی است که فعل همراه با تقصیر او بلاواسطه موجب خسارت به دیگری شده است.

۲-۱. مسئولیت مدنی ناشی از دستگیری غیر مجاز

در حقوق امریکا پلیس قادر به تعقیب افراد نیست، مگر به موجب دستور کتبی چنین حقی را دارا باشد یا اینکه اعتقاد به این امر پیدا کند که ارتکاب جرم به نحو متعارف و معقولی به فردی انتساب دارد (<http://www.malssaw.help>)؛ به تعبیر دیگر یک دلیل معقول در خصوص ظن ارتکاب جرم نسبت به فرد وجود دارد. این وضعیت در حقوق کامن لا تحت عنوان (cause probable) نامیده شده است که در این مورد ارتباط فرد با جرم بیش از صرف ظن و گمان و کمتر از دلیل قاطع است (گارنر: ۲۱۹). در حالی که در حقوق ایران این اختیار ضابطان دادگستری به منظور حفظ نظم عمومی، با محدودیتهایی همراه است؛ از جمله به موجب ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیا در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد و مطابق ماده ۱۸، این قانون ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم در جرائم غیر مشهود، مراتب را به منظور کسب تکلیف و گرفتن دستور لازم به مقام ذی صلاح قضایی اعلام می‌کنند و در خصوص جرائم مشهود، تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و نشانه‌ها و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول می‌دارند و تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهند و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند. بنابراین ضابطان در جرائم مشهود اگر ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات جرم در محلی باشد، قادر به بازرسی و تفتیش محل یا اشیاء هستند و در جرائم غیر مشهود چنین اقدامی باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد (آشوری، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

اگر ضابطان دادگستری بر خلاف این ترتیبات، اقداماتی انجام دهند که به ایراد خساراتی به اشخاص منجر شود، مسئول جبران خسارات وارد شده به آنها هستند؛ به عنوان مثال اگر پلیس در جرمی که از مصادیق جرائم مشهود نیست بدون دستور مقام قضایی به دستگیری شخصی اقدام کند و هنگام دستگیری به علت فرار یا بعد از دستگیری در بازداشتگاه به هر دلیل به او صدمه‌ای وارد شود، اعم از اینکه پلیس نکات ایمنی بازداشت

را رعایت کرده یا نکرده باشد، مسئولیت جبران خسارت وارد شده به وی را بر عهده دارد؛ زیرا در این قبیل موارد، زیان‌دیده متأثر از شرایط و اوضاع و احوال حاکم می‌شود به گونه‌ای که این شرایط موجب قطع رابطه سببیت بین تقصیر احتمالی زیان‌دیده و حادثه زیانبار و برقراری رابطه سببیت بین تقصیر پلیس و حادثه می‌گردد. این مسئولیت بر اساس قواعد عام نیز قابل توجیه است؛ زیرا نقش پلیس در این قبیل حوادث تحت عنوان سبب مطرح می‌شود و اگر شخص بازداشت شده به خود کشی اقدام کند، نقش وی تحت عنوان مباشر خودکشی قابل طرح است و به علت شرایطی که پلیس برای او ایجاد کرده است، تحت عنوان سبب قویتر از مباشر مسئول خواهد بود.

۲-۲. مسئولیت مدنی در تعقیب و گریز

یکی از حوادث شایعی که ممکن است در اجرای مأموریت‌های پلیسی واقع شود، حوادث ناشی از تعقیب و گریز است که بر دو نوع است:

الف- واقعه زیانبار ناشی از تعقیب و گریز بدون تیراندازی

در این حوادث اگر مأمور مجاز به تعقیب باشد و پس از اخطارهای لازم به چنین امری اقدام کند و فرد تحت تعقیب به هر دلیل دچار حادثه زیانباری شود به عنوان مثال به علت شتابزدگی، وسیله نقلیه او واژگون شود یا در حال فرار به علت پریدن از دیواری آسیب ببیند در این صورت پلیس مسئولیت نخواهد داشت. عدم مسئولیت مأمور در این مورد را می‌توان بر اساس قواعد عام مسئولیت مدنی توجیه کرد؛ زیرا نقش وی در این موارد تحت عنوان سبب قابل طرح است. با توجه به اینکه فعل انجام شده غیر مجاز نیست، او به عنوان سبب محسوب نمی‌شود. علاوه بر این، مشمول قاعده ائتلاف نیز نیست که بر اساس آن، رابطه مستقیم با حادثه زیانبار لازم است؛ زیرا در این مورد فعل مأمور با واسطه و غیر مستقیم موجب خسارت شده است. البته اگر مأمور به تعقیب شخصی به صورت غیر مجاز اقدام کند و به این علت، موجب حادثه زیانبار شود، مسئول خواهد بود؛ زیرا فعل او در این صورت مشمول قاعده تسبیب می‌گردد. ملاکی که برای مشخص کردن این موارد می‌توان تعیین نمود بر این اساس استوار است که آیا او در تعقیب مجاز است یا خیر؛ به تعبیر دیگر مقایسه رفتار پلیس با رفتار یک پلیس متعارف و وظیفه شناس در موارد مشابه؛

زیرا ضابطان دادگستری به نحو مطلق مسئول اجرا و اعمال نظم نیستند؛ بلکه اجرای نظم توسط آنها در چارچوب قانون است. به همین دلیل قانونگذار صرفاً در جرایم مشهود و دستور مقام قضایی و فرار متهم یا مجرم در حال انتقال، تعقیب پلیسی با رعایت موازین لازم را مجاز می‌داند. ولی اگر اقدام به تعقیب غیر مجاز باشد؛ یعنی در غیر این موارد، که پلیس مجاز به تعقیب نیست، اگر شخص تحت تعقیب به علت فرار و بروز حادثه، دچار صدماتی شود، پلیس ضامن است. علاوه بر این پلیس پس از دستگیری حق اعمال زور علیه فرد دستگیر شده را ندارد، هر چند اختیار دستگیری او را داشته است. در حقوق کامن لا، ضمن اینکه پلیس چنین حقی را علیه فرد دستگیر شده ندارد بلکه باید او را از حقوق اساسی خود که اصطلاحاً میراندا^۱ نامیده شده است، آگاه کند؛ از جمله این حقوق، حق سکوت و حق استفاده از وکیل است. بدون رعایت این حقوق، پلیس حق بازجویی از وی را ندارد (گارنر: ۱۰۱۲). علاوه بر این در موردی که پلیس فکر می‌کند که فرد مظنون قصد دست درازی به اسلحه او را دارد و به سوی او تیراندازی می‌کند بویژه به این دلیل که فرد مظنون، قدم اول را به سمت پلیس نزدیک شده باشد، صرف این ادعا که به سمت او نزدیک شده است، دفاع محسوب می‌شود. (Bryahh://faculty.edu/toconnor).

ب- واقعه زینبار ناشی از تعقیب و گریز به علت تیراندازی

موردی که مأمور در تعقیب و گریز به تیراندازی اقدام می‌کند و به علت اصابت تیر باعث صدمه یا فوت شخص تحت تعقیب می‌شود. در این مورد برای عدم مسئولیت وی دو شرط لازم است: شرط اول مجاز بودن تعقیب و دستگیری است. همان‌گونه که قبلاً گفته شد ضابطان دادگستری در جرائم مشهود و در موردی که در حال انتقال مجرم و متهمی هستند اگر اوفرار کند؛ مجاز به تعقیب و دستگیری هستند. ولی در جرائم غیر مشهود، بدون هماهنگی با مقام قضایی مجاز به دستگیری و تعقیب نیستند. شرط دوم در مواردی که ضابطان مجاز به تعقیب و دستگیری هستند، اگر بدون رعایت شرایط مقرر در قانون به کارگیری سلاح به تیراندازی اقدام کنند و موجب حادثه زینبار از جمله صدمه یا فوت فرد تحت تعقیب شوند، مسئول خواهند بود و در صورتی که به تعقیب مجاز نباشند، اگر به

1. Miranda rights

تیراندازی اقدام کنند، هر چند با رعایت مقررات قانون به کارگیری سلاح باشد، غیر مجاز بودن عمل تعقیب در عمل بعدی یعنی تیراندازی نیز تأثیر می‌گذارد و آن را نیز غیر مجاز می‌سازد و موجب مسئولیت پلیس در این مورد می‌شود. عنوان مسئولیتی پلیس در این موارد، مباشر مقصر (اتلاف همراه با تقصیر) است.

۲-۳. مسئولیت مدنی ناشی از توقیف اموال اشخاص

الف- توقیف غیر مجاز

هیچ شخص یا مقامی اعم از مقام قضایی و ضابطان دادگستری قادر بر زایل کردن سلطه اشخاص نسبت به اموال آنها هر چند به صورت موقت نیستند؛ بلکه صرفاً در موارد مصرح در قانون چنین اختیاری دارند، در غیر این صورت قادر به توقیف و یا زایل نمودن سلطه اشخاص نیستند. اگر توقیف خارج از موارد منصوص توسط قانونگذار باشد به علت غیر مجاز بودن به عنوان غصب محسوب و ید ضابطان نسبت به این اموال، اصطلاحاً ید ضمانی تلقی می‌گردد. با توجه به اینکه در چنین مواردی متصرف در مقابل مالک، دارای مسئولیت مطلق است، یعنی حتی اگر خسارت ناشی از فعل غیر یا قوه قاهره باشد، موجب مسئولیت خواهد بود. در چنین مواردی که پلیس به توقیف غیر مجاز مال شخصی اقدام می‌کند، هر چند مال را تحویل دیگری داده باشد، شخصاً مسئول است؛ به عنوان مثال اگر پلیس وسیله نقلیه دیگری را در غیر مواردی که مجاز به توقیف آن است، توقیف کند، هر چند آن را تحویل پارکینگ دهد و به علت فعل غیر یا حتی حادثه قهری، این اتومبیل دچار خسارت شود، نامبرده ضامن است.

ب- توقیف مجاز اموال

در صورتی که ضابطان دادگستری برابر موازین قانونی به توقیف مالی اقدام کنند در این صورت، این مال نزد آنها به عنوان امانت تلقی، و اصطلاحاً ید آنها نسبت به آن امانی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه در این مورد بر اساس قواعد عام، امین، مسئول خسارات وارد شده نسبت به مال امانی نخواهد بود مگر اینکه نسبت به آن مرتکب تقصیر شود که اعم از تعدی و تفریط است، بنابراین اگر پلیس برابر موازین حقوقی به توقیف مالی اقدام کند در این صورت اگر در حفظ و نگهداری آن مرتکب تقصیر نشود و به آن مال، خسارتی

هم وارد شود، او مسئول نیست. اگر در چنین موردی، که توقیف مال مجاز است، ولی او در حفظ و نگهداری آن مرتکب تقصیر شود به محض تعدی و تفریط، ید امانی او به ید ضمانی تبدیل می‌شود و در این صورت نیز دارای مسئولیت مطلق خواهد بود و به هر علت نسبت به مال امانی خسارت وارد شود، او مسئول خواهد بود؛ به عنوان مثال اگر پلیس وسیله نقلیه فردی را در مواردی که قانون تجویز کرده است، توقیف نماید و برای انتقال، آن را تحویل مأموری بدهد که گواهینامه ندارد در صورتی که شخص اخیر در حال رانندگی است، وسیله نقلیه دیگری با او تصادف کند، هر چند عدم مهارت راننده در حادثه تأثیری نداشته باشد، پلیس مسئول است؛ زیرا ید امانی او به علت تقصیر به ید ضمانی تبدیل، و موجب مسئولیت مطلق او می‌شود.

۲-۴. مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر در اجرای احکام

با توجه به ماده ۱۳ قانون اجرای احکام مدنی که مقرر می‌دارد: «اگر دادگاه، دادورز (مأمور اجرا) نداشته باشد و یا دادورز (مأموران اجرا) به تعداد کافی نباشد، می‌توان احکام را به وسیله مدیر دفتر یا کارمندان دیگر دادگاه یا مأموران شهربانی یا، ژاندارمری اجرا کرد؛» هم‌چنین به موجب ماده ۳ قانون روابط موجر و مستأجر: «پس از انقضای مدت اجاره بنا به تقاضای موجر یا قائم مقام قانونی وی تخلیه عین مستأجره در اجاره با سند رسمی توسط دوایر اجرای ثبت ظرف یک هفته و در اجاره با سند عادی ظرف یک هفته پس از تقدیم دادخواست تخلیه به دستور مقام قضایی در مرجع قضایی توسط ضابطان قوه قضاییه انجام خواهد شد»، قانونگذار در بعضی موارد، اجرای احکام مدنی را بر عهده ضابطان گذاشته است. بنابراین نامبردگان باید در این خصوص دقت لازم را به عمل آورند که مفاد اجراییه و آنچه مطابق حکم صادر شده باید به نحو صحیح و دقیق اجرا شود. در غیر این صورت یعنی در صورتی که حکمی را به صورت اشتباه اجرا کنند به عنوان مثال در تخلیه به جای آنچه مورد حکم قرار گرفته محل دیگری را تخلیه کنند یا به جای محکوم به، مال دیگری را توقیف کنند، ضامن جبران خسارات وارد شده خواهند بود. مبنای مسئولیت ضابطان در این مورد که در اجرای وظیفه خود مرتکب تقصیر و بی دقتی شده‌اند، قاعده تسبیب است.

۳. مسئولیت مدنی ناشی از فعل بدون تقصیر

در حقوق ایران، مبنای مسئولیت بدون تقصیر در این مورد، قاعده اتلاف موضوع ماده ۳۲۸ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا غیرعمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند، ضامن نقص قیمت آن مال است.» بنابراین فعلهایی که اشخاص انجام می‌دهند اگر بلاواسطه موجب خسارت شود و در قالب اتلاف قرار می‌گیرند بر اساس همین ماده، هر چند فاعل در اجرای آن مرتکب تقصیر نشده باشد، مسئول است؛ زیرا قانونگذار در این ماده تلف کردن را به طور مطلق آورده است؛ یعنی فعل به طور مطلق اعم از اینکه با تقصیر یا بدون تقصیر همراه باشد؛ از قبیل تیراندازی که با رعایت مقررات صورت گرفته، ولی به علت کمانه کردن گلوله به دیگری اصابت و موجب خسارت شده است یا موردی که پلیس در حال رانندگی برای اجرای مأموریت‌های محول است که به علت عیب و نقص ناگهانی و حادث، موجب حادثه رانندگی و خسارت به دیگری می‌شود. در این موارد هر چند عموم قاعده اتلاف تحت عنوان هر کس، شامل مأموران پلیس نیز می‌شود. ولی با توجه به اینکه قانونگذار در مقام بیان در خصوص مسئولیت مدنی کارمندان دولت به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی آنها را در صورتی مسئول می‌داند که خسارت در نتیجه بی احتیاطی یا عمد آنها به بار آمده باشد. بنابراین در صورت عدم تقصیر، سکوت قانون در مقام بیان مسئولیت کارمندان را باید حمل بر عدم مسئولیت آنها کرد. از سوی دیگر با توجه به ضرورت جبران خسارت زیان‌دیده و با توجه به اینکه کارمندان دولت در این مورد در مقام اجرای وظیفه، عملی را انجام می‌دهند در واقع این عمل برای دولت و به دستور او صورت می‌گیرد؛ لذا مسئولیت ناشی از آن بر عهده دولت است. هر چند به موجب قسمت اخیر این ماده اگر خسارت ناشی از نقص که مقرر می‌دارد: «... هر گاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره و مؤسسات مربوط است.» علاوه بر این به موجب ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی: «هر گاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچ‌گونه تخلف از مقررات نکرده است، ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جز مواردی که

مقتول یا مصدوم مهدورالدم نبوده، دیه بر عهده بیت‌المال خواهد بود». با توجه به اینکه تفاوتی بین خسارات جسمانی و مالی از جهت لزوم جبران آن نیست، می‌توان حکم این ماده را به خسارات مالی وارد شده به دیگران که ناشی از فعل بدون تقصیر پلیس است هم تعمیم داد، و در این صورت دولت را ضامن جبران آن دانست. در حقوق کامن‌لا، مسئولیت مدنی پلیس بر اساس نیابت به سازمان پلیس انتقال می‌یابد. در موردی که افسر پلیس، خارج از حوزه مأموریتش، که خودش را پلیس معرفی کرد و برای کاری شخصی، فردی را مورد تهاجم قرار داد و این حادثه به مصدوم شدن زیان‌دیده منجر شد، سازمان پلیس به عنوان کارفرما مسئول شناخته شد (هارپوود^۱ ۲۰۰۳: ۳۲۲). در حقوق فرانسه دولت و مؤسسات عمومی فقط در دو صورت مسئولیت ناشی از عمل کارمندان خود را بر عهده دارند: مورد اول، مسئولیت دولت بر اثر اعمال ارتكابی معلمان دولتی و دیگری مسئولیت در برابر استفاده مأموران از وسیله نقلیه (لوراسا^۲، ۱۳۷۵: ۸۳). بنابراین در حقوق فرانسه، مسئولیت پلیس شامل مسئولیت نیابتی نمی‌شود. در حقوق لبنان، وقتی خسارت ناشی از تقصیر عمده مأموران پلیس یا سایر قوای نظامی باشد، مسئولیت آن بر عهده دولت است. البته در بعضی موارد، که عیب و نقص سلاح معیوب تحویل شده به پلیس موجب خسارت به او یا سایر افراد شود، مسئولیت دولت مبتنی بر نظریه خطر است (العوجی، ۲۰۰۴: ۲۷۴). به نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز خسارات ناشی از معیوب بودن وسائل و تجهیزات، مشروط به اینکه به عیب و نقص ناگهانی منجر گردد از قبیل اسلحه مأموران و وسایل نقلیه‌ای که در اختیار آنان گذاشته شده است بر عهده دولت، ولی خسارات ناشی از عیب و نقصی که کنترل آن جزء وظایف مأموران است در صورت عدم کنترل به عنوان خطا و تقصیر آنها شمرده شود به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی بر عهده خودشان خواهد بود.

۴. مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل

ترک فعل به معنی ترک وظیفه‌ای است که به موجب قانون یا قرارداد بر عهده شخصی

1. Harpwood

2. Lorrassa Mishel

است. مبنای مسئولیت ناشی از ترک فعل در حقوق ایران قاعده تسبیب است از قبیل وظایف شغلی و سازمانی که از سوی سازمان ذی‌ربط بر عهده مأموری محول شده و او از اجرای آن خودداری می‌کند اگر به خسارت منجر گردد، موجب مسئولیت می‌شود. رکن اصلی تقصیر در ترک فعل، موظف بودن شخص نسبت به آن است؛ به عبارت دیگر اگر شخصی مکلف و موظف به اجرای فعل یا وظیفه‌ای باشد و آن را ترک کند و ترک این فعل، موجب خسارت به دیگری شود؛ موجب مسئولیت او خواهد شد.

۵. مبنای قانونی مسئولیت ناشی از ترک فعل

در حقوق ایران، شرط لازم برای مسئولیت ناشی از ترک فعل، تقصیر است. تقصیر در این مورد وقتی محقق می‌شود که شخصی عهده دار وظیفه‌ای باشد و از آن خودداری کند. مبنای لزوم تقصیر در مسئولیت مدنی مقررات قانونی به این شرح است: ماده ۳۳۱ قانون مدنی «هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص قیمت بر آید.» این ماده از نظر حقوقی به تسبیب مصطلح شده که عیناً در قانون مجازات اسلامی در مورد صدمات جانی تکرار گردیده است. علاوه بر این ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در این مورد بیان می‌کند: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگر، که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» هر چند در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، قانونگذار، صراحتاً عباراتی را به کار برده که مبین تقصیر است، در ماده ۳۳۱ قانون مدنی، تقصیر یا عبارات مشابه به کار نرفته است؛ اما با توجه به اینکه تقصیر در مفهوم تسبیب نهفته است به عبارت دیگر تا وقتی کسی مقصر و خطا کار نباشد به او نمی‌توان اطلاق تسبیب کرد (عباسلو، ۱۳۸۶: ۵۱). بنابراین، ماده یاد شده نیز بر تقصیر مبتنی است. هم‌چنین قانونگذار، صراحتاً در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی از تقصیر کارمندان دولت نام برده است. به موجب این ماده «کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت اجرای وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، خسارتی به اشخاص وارد کنند، شخصاً مسئول جبران خسارات

وارد شده هستند؛ ولی هر گاه خسارات وارد شده به عمل آنان مستند نباشد و به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور مربوط باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره و مؤسسات مربوط است، ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت به پرداخت خسارت مجبور نخواهد بود.»

با توجه به اینکه کارمندان دولت در این ماده به صورت عام به کار رفته است، شامل مأموران پلیس هم می‌شود. مسئولیت مدنی در این ماده بر تقصیر مبتنی است و مسئولیت بدون تقصیر مورد توجه قرار نگرفته است. تقصیر اعم است از عمد و بی‌احتیاطی (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۷۸: ۳۸۳). مقصود از تقصیر در این ماده تقصیر شخصی کارمند است نه خطای اداری و باید خساراتی را که از خطاهای شخصی کارمندان به بار آمده از ضررهای ناشی از خطای اداری آنان تفکیک کرد (غمامی، ۱۳۶۷: ۲۴). معیار چنین تفکیکی را می‌توان تکلیف اداره یا دستگاه دولتی در مراقبت دانست؛ یعنی در موردی که سازمان دولتی باید بر اعمال کارمند خود مراقبت بیشتری کند، عدم اجرای این وظیفه موجب تقصیر کارمند و ایراد خسارت به دیگری گردد، چنین خسارتی ناشی از خطای اداره تلقی می‌گردد. ولی در غیر این مورد، که سازمان دولتی چنین تکلیفی ندارد، خطا قابل انتساب به کارمند است و او شخصاً مسئول خواهد بود. بنابراین اگر مأموران نیروی انتظامی در اجرای وظایف محول بدون تقصیر، موجب ورود خسارت به دیگری شوند بر اساس این ماده نمی‌توان برای آنها مسئولیت قائل شد؛ به عنوان مثال اگر مأموری هنگام تیراندازی، قوانین و مقررات مربوط را رعایت نکند؛ یعنی به تیراندازی غیر مجاز اقدام کند که موجب خسارت اعم از جانی و مالی دیگری شود به علت اینکه پلیس در این مورد مرتکب تقصیر شده است، شخصاً مسئول جبران خسارت وارد شده است؛ ولی اگر تیراندازی برابر قانون به کارگیری سلاح باشد و موجب خسارت یا صدمه شخص بی‌گناهی شود براساس ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، نمی‌توان برای او مسئولیت مدنی قائل شد؛ زیرا مرتکب تقصیر نشده است.

۶. موارد مسئولیت ناشی از ترک فعل ضابطان

۶-۱. مسئولیت مدنی ناشی از کوتاهی از حمایت افراد

در مواردی که ضابطان دادگستری چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارند اگر از آن خودداری کنند و ترک این وظیفه به خسارت به فردی منجر شود در این صورت، مسئولیت جبران آن را بر عهده دارند؛ به عنوان مثال عدم کمک پلیس به شهروندی که در معرض ارتکاب جرم توسط دیگری قرار گرفته است که در این مورد یا پلیس خود شاهد ارتکاب عمل مجرمانه بوده یا مجنی علیه از او استمداد نموده است ولی او از اقدام لازم خودداری نموده است، مبنای این وظیفه موادی از قانون آیین دادرسی کیفری به این شرح است: به موجب بند ۵ ماده ۲۱ قانون مذکور در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأموران را به خانه خود تقاضا نماید به موجب ماده ۱۸ قانون مذکور ضابطان دادگستری مکلفند تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و نشانه‌ها و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول بدانند و تحقیقات مقدماتی را انجام دهند و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی برسانند. ضابطان دادگستری به موجب همین مقررات مکلفند: اولاً در صورت برخورد با جرمی مشهود که در حال وقوع است اقدام لازم را برای نجات مجنی علیه به عمل آورند. ثانیاً در صورت تقاضای کمک توسط فردی که در معرض جنایت یا ارتکاب جرمی دیگر، قرار گرفته، بلافاصله اقدام لازم را به عمل آورند. در غیر این صورت مسئولیت جبران خسارات وارد شده به زیان‌دیده را به علت ترک وظیفه بر عهده دارند. هر چند جانی به عنوان فاعل فعل زیانبار نیز در مقابل زیان‌دیده مسئول است. بنابراین نامبرده و پلیس دارای مسئولیت تضامنی هستند. مسئولیت تضامنی در این مورد از مصادیق استقلال اسباب و مطابق با قواعد عام است؛ به تعبیر دیگر هر یک از مسئولان به نحو مستقل، مشمول قواعد مسئولیت مدنی نسبت به زیان واحدی هستند. لازم به ذکر است در این قبیل موارد تشخیص پلیس به عنوان فردی متعارف با توجه به ظاهر امر، ملاک است؛ به عنوان مثال؛ اگر پلیس، نجات فوری مجنی علیه را برای حفظ صحنه جرم ضروری تشخیص ندهد، ولی بعداً مشخص شود امکان نجات او از نظر متخصصان وجود داشته است، نمی‌توان پلیس را مسئول قلمداد کرد. در این مورد در سال ۱۹۷۹ در دعوی

براد شاو^۱ علیه «پرنس جورج کانتی^۲» در دادگاه استیناف ایالت مریلند علیه پلیس، حکم را به نفع پلیس تأیید کرد (دین^۳، ۱۹۹۸: ۴).

۲-۶. ترک وظیفه نگهداری و حراست از وسایل و تجهیزات

از قبیل موردی که پلیس در مراقبت از سلاح خود کوتاهی کرده و موجب تصرف اسلحه و سپس تیراندازی توسط شخص دیگری شده است. در این قبیل موارد ترک وظیفه به مسئولیت تضامنی ضابطان دادگستری و شخصی که تیراندازی نموده منجر می‌شود؛ هر چند مسئولیت تضامنی در حقوق ایران خلاف اصل است و برقراری چنین مسئولیتی به نص قانونی نیاز دارد و تنها نصی که در این مورد وجود دارد، مسئولیت غاصبین متعدد است که یکی بعد از دیگری مالی را غصب کرده‌اند؛ ولی به جز این مورد، بر اساس قواعد دیگر مسئولیت مدنی، امکان برقراری مسئولیت تضامنی وجود دارد. زیرا مبنای مسئولیت تضامنی در ایادی متعاقب بر مال مغضوب، شمول قاعده ضمان ید به هر یک از غاصبان به نحو مستقل است که نتیجه آن، مسئولیت تضامنی است. این مبنا در موارد دیگر، که شمول قواعد ضمان قهری در یک حادثه زینبار به عوامل متعدد به نحو مستقل مقدور باشد، نیز قابل تعمیم است. یکی از این موارد اجتماع سبب و مباشر به نحو مستقل است^۴. تفاوت سبب و مباشر به نحو مستقل و اشتراکی در این است که در اجتماع سبب و مباشر اشتراکی، هر یک از سبب و مباشر فعل جداگانه‌ای انجام داده‌اند که از جمع آن حادثه واقع شده است، ولی در اجتماع سبب و مباشر به نحو مستقل، عمل زینبار صرفاً توسط مباشر انجام شده که به شخص دیگری به علت تقصیری که کرده و زمینه ساز آن حادثه شده است به نحو مستقل به عنوان سبب انتساب دارد. پلیس نیز در بعضی حوادث، گاهی به عنوان سبب حادثه زینباری که دیگری مباشر آن است، تلقی می‌شود؛ به عنوان مثال،

1. Bradshaw

2. Prince George County

3.. Bryan Michael A. Dean

۴. در این مورد دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی در مجموعه محشی قانون مدنی در ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی پیشنهادی خود، نظر دقیقی به این شرح مطرح کرده است: ماده ۱۱۱۴- تضامن قهری سه قسم است: ۲) تضامن ناشی از عمل دو یا چند نفر مانند مورد تجمیع دو نفر در ائتلاف به صورت مباشر و سبب به شرط آنکه انتساب اضرار به عمل هر یک از آن دو نفر مستقلاً صحیح باشد. ص ۸۱۵

پلیس راهنمایی و رانندگی به علت متوقف نکردن رانندگان فاقد صلاحیت رانندگی و مست با توجه به اینکه یکی از مهمترین وظایف پلیس راهنمایی و رانندگی کنترل وضعیت ظاهری و مدارک و دلایل صلاحیت رانندگان و در صورت مشاهده راننده فاقد صلاحیت رانندگی و از جمله فاقد گواهینامه رانندگی و مست و مخصوصاً رانندگان وسایل نقلیه عمومی جلوگیری از رانندگی آنها است، در این صورت اگر چنین راننده‌ای موجب حادثه زیانباری برای اشخاص ثالث شود، مسئولیت آن به صورت تضامنی برعهده پلیس به عنوان سبب و به راننده به عنوان مباشر خواهد بود؛ زیرا در این مورد حادثه زیانبار به دو عامل یعنی پلیس به عنوان سبب و راننده مقصر به عنوان مباشر به نحو مستقل انتساب دارد و هر دو در مقابل زیان‌دیده دارای مسئولیت کامل هستند. علاوه بر این مورد در موردی که پلیس از اسلحه خود مراقبت لازم را نمی‌کند یا خود آن را در اختیار دیگری قرار می‌دهد و شخص اخیر با اسلحه به دیگری تیراندازی می‌کند و موجب خسارت او می‌شود. این مورد نیز از موارد اجتماع سبب و مباشر به نحو مستقل به شمار می‌رود. پلیس به عنوان سبب و شخصی که با اسلحه پلیس تیراندازی کرده است به عنوان مباشر در مقابل زیان‌دیده دارای مسئولیت تضامنی هستند.

۶-۳. مسئولیت ناشی از عدم کنترل اشخاصی که بازداشت شده‌اند

اگر این ترک وظیفه به خودکشی یا سایر صدمات به این اشخاص منجر شود، مسئولیت آن بر عهده پلیس است؛ زیرا وقتی اقدامات پلیسی به بازداشت شخصی منجر می‌گردد در این مورد، پلیس مکلف به کنترل شخص یاد شده از جهت همراه نداشتن هر نوع ابزاری است که ممکن است با کمک آن، وی به خودکشی یا سایر صدمات به خود اقدام کند. در صورتی که ترک این وظیفه موجب صدمات پیش گفته به شخص بازداشت شده گردد، پلیس مسئولیت جبران این خسارات را بر عهده دارد. هر چند زیان‌دیده به عنوان شخصی رشید به ایراد صدمه به خود اقدام کرده است، قاعداً نباید دیگری را مسئول آن دانست، ولی در این مورد چون زیان‌دیده در وضعیت و شرایط خاصی قرار می‌گیرد و از حالت و وضعیت عادی خارج می‌شود، محافظت و مراقبت متعارف از او اقتضا می‌کند که پلیس امکان این صدمات را با کنترل متهم و محل نگهداری او حتی الامکان از بین ببرد. در

حقوق کامن لا نیز مقامات قانونی مکلفند اشخاصی را که به طور قانونی زندان یا بازداشت شده‌اند تا پایان دوره محکومیت، سالم نگهداری کنند (دین، ۱۹۹۸: ۱).

۷. موارد معافیت ضابطان دادگستری از مسئولیت مدنی

۷-۱. مواردی که به قطع رابطه سببیت منجر می‌شود

الف - قاعده تحذیر

مقصود از تحذیر در لغت بر حذر داشتن و بیم دادن و کسی را متوجه امری ساختن است و اصطلاحاً اگر کسی قبل از انجام دادن کاری یا فعلی هشدار دهد، ولی شنونده به هشدار او توجه نکند و به علت آن کار، جنایتی به او وارد شود، هشدار دهنده مسئولیتی نخواهد داشت (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۲۳۵). هر چند در مقررات وضع شده، تحذیر به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت مدنی مطرح نشده است، ولی علت تأثیر آن در رفع مسئولیت، قطع رابطه سببیت یا علیت بین فعل یا ترک فعل زیانبار و خسارت است. در حقوق کامن لا نیز هشدار یکی از عوامل رافع مسئولیت مدنی است؛ به عنوان مثال در صورتی که ورزشی برای افرادی مخصوصاً وقتی که صغیر هستند مضر باشد، هشدار باید برای آنها خوانده شود. هشداری که دارای امضا و تاریخ باشد و به بازیکنان و والدین آنها تفهیم شده باشد، کمک مؤثری برای مربی در دفاع از خود برای احتراز از مسئولیت خواهد بود (جامپیون جونیور^۱، ۱۳۸۳: ۲۴۳). در خصوص نقش تحذیر در رفع مسئولیت مدنی پلیس باید گفت با توجه به اینکه تحذیر و هشدار می‌تواند شنیداری و دیداری باشد، بنابراین اگر در هنگام فعالیت‌های پلیسی قبل از اینکه این اقدامات به خسارت منجر شود به اشخاصی که ممکن است از آن فعالیت متحمل خسارت شوند، هشدار داده شود، ولی آنان به رغم فرصت و امکان پرهیز و دوری از حادثه زیانبار، چنین اقدامی به عمل نیاورند و متحمل خساراتی اعم از جانی یا مالی شوند در این صورت پلیس به عنوان عامل زیان فاقد مسئولیت است؛ به عنوان مثال پلیس در مکانی برای اجرای مأموریت‌های مربوط به افرادی که در آن مکان حضور دارند، هشداری مبنی بر ترک آن مکان و اعلام این امر که

امکان تیراندازی و اصابت به اشخاص وجود دارد و با وجود امکان و فرصت لازم نسبت به ترک آن مکان اقدام نکنند و سپس به علت برخورد تیر به آنها خسارتی وارد شود، پلیس مسئول نیست.

ب- اضطرار

اضطرار وضع کسی است که جز با صدمه زدن به مال یا حق دیگری، نمی‌تواند از خطری که او را تهدید می‌کند، بپرهیزد و در این اضطرار ناچار است (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۳۲۰). اضطرار از جهت رفع مسئولیت مدنی به معنی فرار از حادثه‌ای زیان بارتر که دیگری ایجاد کرده به حادثه‌ای است که به زیان کمتر منجر می‌شود. لازم به ذکر است که اولاً عامل زیان خود نباید در ایجاد شرایط اضطراری نقش داشته و ثانیاً امکان دیگری به جز ایجاد حادثه زیانبار برای او وجود نداشته باشد؛ به عنوان مثال پلیس به علت شرایطی که مجرم یا مجرمان ایجاد کرده‌اند ناگزیر می‌شود از حادثه‌ای بزرگتر به حادثه‌ای فرار کند که زیان کمتری در بر دارد. در این صورت پلیس مسئولیتی ندارد، بلکه مسئولیت آن بر عهده مجرم یا مجرمانی است که موجب اضطرار پلیس شده‌اند؛ به عنوان مثال اگر شخص مسلحی گروهگانی را در اختیار دارد و به ضابطان دادگستری هشدار می‌دهد که به او نزدیک نشوند در غیر این صورت به چندین نفر که در آنجا حضور دارند یا عابری که در حال حرکت هستند تیراندازی می‌کند. در این مورد اگر ضابطان دادگستری به منظور حفظ جان چندین نفر از نجات گروگان خودداری کنند، مسئولیتی نخواهند داشت. تفاوت اضطرار با قوه قاهره این است که در قوه قاهره، فاعل زیان تنها با یک گزینه روبه‌رو است در حالی که در اضطرار، فاعل زیان مخیر بین انتخاب دو گزینه است.

ج - پذیرش خطر توسط زیان‌دیده

معادل این عنوان در حقوق ایران تحت عنوان «اقدام» مطرح شده و از نظر فقهی یکی از مسقطات ضمان است. اقدام بدین معناست که هر گاه مالک احترام مال خود را اسقاط کرد و بنا را بر عدم عوض گذاشت، ضمان آن مال اسقاط می‌شود (الحسنی المرآغی، ۱۳۸۵: ۱۱۷). هر چند قانونگذار در مقررات قانونی، صراحتاً از چنین قاعده‌ای نامی نبرده، ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «هر گاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود» به طور

تلویحی این قاعده را پذیرفته است که حقوقدانان از آن به عنوان قاعده اقدام یاد کرده‌اند؛ زیرا وقتی شخصی، مالی را تحویل یا در اختیار اشخاص قرار می‌دهد به ضرر خود در رابطه با مالکیتش اقدام می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۳۲) و ریسک یا خطر ناشی از آن را می‌پذیرد. از این تفسیر می‌توان نتیجه گرفت هر گاه شخصی با آگاهی از خطر یا حادثه زیانباری، خود را در معرض آن قرار دهد زیان وارد شده از آن حادثه را خود پذیرا شده است و عامل زیان در برابر آن مسئولیتی بر عهده نخواهد داشت. علاوه بر این، مطابق بند ۳ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی «حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد.» هر چند به موجب این ماده، حوادث یاد شده در این بند جرم محسوب نمی‌شود، ولی در این مورد به دلیل اینکه مسئولیت مدنی تابع مسئولیت کیفری است، بنابراین وقتی از نظر قانونگذار، وصف مجرمانه عملی زائل شود آن عمل موجب مسئولیت مدنی نیز نمی‌شود مگر اینکه خلاف آن تصریح شده باشد. مبنای عدم مسئولیت در این قبیل اعمال نیز پذیرفتن زیانهای احتمالی مسابقه ورزشی است (قاسم زاده، ۱۳۷۸: ۲۰۶). در صدر ماده یاد شده مسئولیت کیفری را مطرح کرده، و چنین قاعده‌ای در حقوق کامن لا تحت عنوان پذیرش خطر^۱ معروف است و یکی از عوامل رافع مسئولیت پلیس تحت این عنوان مطرح شده است؛ به عنوان مثال وقتی فرد مظنون از تعقیب پلیس فرار می‌کند در این صورت خطر ناشی از خسارات و صدمات را خود می‌پذیرد و نمی‌تواند از پلیس تقاضای مطالبه این خسارات را کند (ولتایر^۲، ۲۰۰۷: ۵). هر چند در بعضی موارد این قاعده در حقوق کامن لا موجب کاهش مسئولیت می‌شود (گارنر، ۱۹۹۹: ۱۲۱). به طور کلی پذیرفتن خطر در حقوق کامن لا، دفاع تلقی می‌شود و خواهان را از مطالبه خسارت علیه مرتکب فعل زیانبار منع می‌کند. البته خواننده باید بتواند اثبات کند که خواهان با اراده و آگاهی، خطر را در مواردی که ذاتاً خطرناک هستند پذیرفته است.

(http://en.wikipedia.org/wiki/Assumption-of_risk)

در حقوق فرانسه نیز پذیرش خطر توسط زیان‌دیده به عنوان یک علت موجهه تلقی

1. Assumption of risk

2. Voltaire

می‌شود. البته در موردی که تقصیر عمدی یا تقصیر سنگین باعث حادثه شود، پذیرش خطر توسط زیان‌دیده رافع مسئولیت عامل حادثه نخواهد بود (ژوردن^۱، ۱۳۸۲: ۹۶).

د- فعل شخص ثالث

گاهی فعل شخص ثالث، حادثه زیانبار را برای ضابطان دادگستری اجتناب ناپذیر می‌سازد به عنوان مثال اگر متهمی که در جرایم مشهود تحت تعقیب قرار گرفته به صورت ناگهانی به متوقف کردن وسیله نقلیه خود اقدام کند که به تصادف و برخورد اتومبیل پلیس با شخص دیگری به عنوان زیان‌دیده منجر شود در این صورت اقدام انجام شده توسط متهم تحت عنوان فعل شخص ثالث، رافع مسئولیت مدنی پلیس ولی مسئولیت خود او در مقابل زیان‌دیده می‌شود. هرگاه فردی کودکی را به قصد کشتن جلوی ماشین پرتاب کند و برای راننده امکان پیش بینی یا پرهیز از خطر وجود نداشته باشد به علت از بین رفتن رابطه علیت، دارنده اتومبیل از پرداخت خسارت معاف خواهد و چنین حادثه‌ای در حکم قوه قاهره است (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۹۳). برای اینکه فعل غیر، موجب رفع مسئولیت شود اولاً باید فعل غیر خطا باشد. ثانیاً لازم است غیر از کسانی باشد که تحت سرپرستی مدعی علیه نباشد؛ به عنوان مثال اگر ثابت شود زیان وارد شده به سرنشینان وسیله نقلیه در اثر افتادن وسیله نقلیه در حفره‌ای عمیق غیر قابل رؤیت و بدون اینکه نشانه‌های هشدار دهنده‌ای نصب شده باشد، راننده فاقد مسئولیت است. در خصوص تأثیر فعل غیر باید بین دو فرض قائل به تفکیک شویم: فرض اول استقلال خطای شخص ثالث و مدعی علیه از یکدیگر و فرض اشتراک خطای آنها در ایجاد زیان است. در فرض اول ممکن است خطای هر کدام خطای دیگری را شامل شود و در بر گیرد و اگر خطای مدعی علیه، خطای غیر را مستغرق نماید یا در بر گیرد در این صورت مسئولیت او کامل است و اگر خطای غیر، خطای مدعی علیه را مستغرق نموده یا در بر گیرد، مسئولیت غیر کامل است و خطای مدعی علیه در این مسئولیت اثری ندارد. استغراق خطا مانند اینکه خطای یکی عمدی باشد یا خطای یکی نتیجه خطای دیگری باشد؛ به عنوان مثال در حوادث رانندگی، عدم رعایت حق تقدم در تقاطع و رانندگی با سرعت زیاد توسط راننده که حق

1. Patris jorden

تقدم دارد در این صورت خطای راننده اول خطای راننده دوم را در بر می‌گیرد یا مستغرق می‌کند. فرض دوم استقلال هر یک از دو خطا و اشتراک آنها در ایجاد ضرر است. در این فرض یکی از دو خطا دیگری را مستغرق نمی‌کند یا در بر نمی‌گیرد. در این صورت در حقوق لبنان هر یک از آنها در مقابل زیان‌دیده مسئولیت تضامنی دارند ولی در بین خودشان مسئولیت آنها به نحو تساوی است مگر اینکه قاضی، سهم هر یک را از ضرر تعیین کند (نبیل ابراهیم سعد، ۱۹۹۸: ۴۲۳). لازم به ذکر است فعل شخص ثالث وقتی به عنوان عامل مستقلی در حادثه زیانبار نقش داشته باشد در کنار فاعل دیگر حادثه زیانبار دارای مسئولیت تضامنی خواهد بود ولی اگر به صورت اشتراکی دخالت داشته باشد، تقسیم مسئولیت بین او و عامل دیگر یا تحمیل مسئولیت به یکی از آنها با توجه به نحوه مداخله شخص ثالث در حادثه زیانبار به این ترتیب تعیین می‌شود: اگر نقش نامبرده به عنوان سبب در حالت اجتماع سبب و مباشر به صورت اشتراکی باشد در صورتی که قویتر از مباشر باشد، مسئول جبران تمام خسارت وارد شده خواهد بود و در صورتی که دارای نقشی یکسان یا کمتر از مباشر باشد در این صورت مسئولیتی نخواهد داشت. اگر نقش شخص ثالث در حادثه زیانبار از مصادیق اجتماع چند مباشر باشد به عنوان مثال وقتی پلیس برای اجرای مأموریت در حال رانندگی است و مقررات راهنمایی و رانندگی را نقض کند و وسیله نقلیه ای که از طرف مقابل در حال حرکت است نیز مقررات راهنمایی و رانندگی را نادیده گرفته است و تقصیر هر دو موجب تصادم آنها و در نتیجه خسارت به زیان‌دیده گردد در این صورت مسئولیت بین آنها به نسبت مساوی تقسیم می‌شود.

ه- تقصیر مشترک زیان‌دیده

گاهی ممکن است زیان‌دیده خود در حادثه دخالت داشته باشد به عنوان مثال اگر ضابطان دادگستری در تعقیب متهم به شخص دیگری خسارت وارد کنند مانند موردی که با شخصی هر گاه خطا و تقصیر زیان‌دیده، عمدی بوده و تقصیر خواننده غیر عمدی باشد، خطای او خطای خواننده را در بر می‌گیرد و مسئولیت خواننده به دلیل زائل شدن رابطه سببیت، منتفی می‌شود؛ مانند اینکه زیان‌دیده به قصد خود کشتی خود را عمداً جلوی اتومبیلی که با سرعت غیر مجاز در حال حرکت است بیندازد، در این صورت خطای عمد

مانع تأثیر خطای راننده می‌شود و نامبرده به دلیل از بین رفتن رابطه سببیت مسئولیتی نخواهد داشت (نبیل، ابراهیم سعد، ۱۹۹۸: ۴۲۱).

در حقوق انگلیس بر اساس بند ۱ ماده ۱ قانون اصلاحی تقصیر اشتراکی سال ۱۹۴۵ هر گاه کسی متحمل خسارتی شود که تقصیر خود او نیز در ایجاد خسارت سهمی داشته باشد، دعوی مطالبه خسارت به دلیل تقصیر زیان‌دیده رد نمی‌شود، بلکه تا حدی که دادگاه آن را عادلانه و متناسب با تقصیر خواهان تشخیص دهد، قابل مطالبه خواهد بود (هارپ وود: ۴۱۴). البته گاهی تقصیر خواهان نادیده گرفته می‌شود؛ به عنوان مثال وقتی تقصیر مشترک بین بزرگسال و یک کودک باشد در صورتی که دعوی توسط کودک مطرح شود، تقصیر مشترک دفاع محسوب نمی‌شود (اسمیت، جکینان^۱، ۱۹۷۳).

در حقوق ایران تقصیر مشترک زیان‌دیده در حادثه زیانبار تحت دو عنوان سبب یا مباشر اشتراکی قابل تصور است و تقسیم یا تحمیل مسئولیت به یکی از آنها حسب مورد بر اساس میزان تأثیری که در حادثه دارند، تعیین می‌شود.

۲-۷. مواردی که کیفیت عمل زیانبار موجب معافیت می‌شود.

الف - اعمال حاکمیت

یکی از موارد معافیت مسئولیت مدنی به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، اعمال حاکمیت دولت است که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید. هر چند مقصود از اعمال حاکمیت آن دسته از اقداماتی است که دولت و سازمانهای دولتی در راستای یکی از وظایفی انجام می‌دهند که برای آن تشکیل شده‌اند. در واقع این دسته از اقدامات در مقابل اعمال تصدی یعنی اقداماتی است که دولت برای پشتیبانی از اجرای وظایف اصلی خود از قبیل تأمین نیازمندیهای روزمره و نیروها و خرید و فروش املاک و غیره انجام می‌دهد. ولی برای عدم مسئولیت ناشی از اعمال حاکمیت، برابر این ماده، ضروری بودن برای تأمین منافع اجتماعی و طبق قانون بودن عمل انجام شده، لازم است. بنابراین آن دسته از اعمال حاکمیت که این ویژگیها را ندارد، رافع مسئولیت دولت نیست. با توجه به این توضیحات در خصوص مسئولیت مدنی پلیس در

1. Kenneth Smith & Denis Jkenan

موردی که او برای تأمین منافع اجتماعی و طبق قانون، اقداماتی را انجام می‌دهد و از این اقدامات خسارتی به بار آید، عهده‌دار مسئولیت نیست. البته ابهامی که در این مورد وجود دارد درخصوص شرایط تعیین شده یعنی برای تأمین منافع اجتماعی و طبق قانون بودن اعمال است. در این مورد به نظر می‌رسد تمام فعالیت‌های پلیسی به طور مستقیم با تأمین منافع اجتماعی مرتبط نیست؛ به عنوان مثال اقداماتی که برای جلب و دستگیری متهمان و یا پیگیری شکایات و اجرای دستور مقام قضایی در خصوص پرونده‌ای خاص به طور مستقیم برای تأمین منافع اجتماعی محسوب نمی‌شود، ولی آن دسته از فعالیت‌های پلیس که به منظور حفظ و اعاده نظم در محلی خاص صورت می‌گیرد که ذی‌نفع از آن به طور مستقیم، عموم هستند واجد این ویژگی خواهد بود. ابهام دیگری که در این مورد وجود دارد این است آیا شرط دوم یعنی «طبق قانون بودن» علاوه بر شرط قبلی نیز لازم است و علاوه بر این آیا تمام اقداماتی که سازمان‌های دولتی در راستای اجرای وظایف انجام می‌دهند، دارای این ویژگی هست یا مقصود آن دسته اقداماتی است که برای اجرای آن باید قانونی خاص تصویب شود. به نظر می‌رسد با توجه به اصل ضرورت جبران و تدارک زیان ناشی از اقدامات انجام شده، باید ماده یاده شده را تفسیر مضیق کرد و لازمه چنین تفسیری این است که برای عدم مسئولیت ناشی از اعمال حاکمیت علاوه بر اینکه هر دو شرط لازم است برای هر مورد باید قانون خاص چنین اقداماتی را تجویز کند.

ب - اجرای دستور قضایی اشتباه یا نادرست

اگر پلیس، دستور مقام قضایی را که صلاحیت اجرای آن را دارد با حسن نیت اجرا کند، ولی بعد از اجرا مشخص شود آن دستور نادرست یا خلاف قانون یا الغا شده بوده و پلیس از آن آگاه نبوده است، پلیس فاقد مسئولیت مدنی است؛ به عنوان مثال اگر مقام قضایی دستور جلب شخصی را بر خلاف قانون صادر کرده باشد. همچنین است در مورد احکامی که یا اجرای آن‌را خود برعهده دارد یا به عنوان نیروی قهریه در اجرای احکام حضور داشته باشد. ولی اگر پلیس از نادرست بودن یا الغای احکام آگاه باشد یا در مورد اجرای احکام به مفاد حکم و احراز هویت محکوم علیه دقت نکند، بعداً مشخص شود حکم اجرا شده اشتباه اجرا شده یا پلیس به داورز به عنوان نماینده اجرای احکام اعتماد کرده است و بعداً مشخص شود که حکم اشتباه اجرا شده و زبانی متوجه فردی شده که حکم

اشتباهاً علیه او اجرا شده است، در این موارد، پلیس مسئولیت جبران خسارت وارد شده را بر عهده دارد. و اگر علاوه بر پلیس مأمور اجرای احکام در اجرای حکم مداخله داشته باشد، هر دو دارای مسئولیت تضامنی هستند. در حقوق کامن لا، اگر پلیس دستور کتبی مقامات قضایی را با اعتقاد به اینکه معتبر و صحیح است با حسن نیت اجرا کند، ولی بعداً مشخص شود که آن دستور ناقص یا فاقد اعتبار است، موجب مسئولیت پلیس نمی‌شود (ولتایر، ۲۰۰۷: ۵).

ج- دفاع مشروع

یکی از عوامل رافع مسئولیت مدنی، دفاع فاعل حادثه زیانبار در مقابل زینانیده است. علت رفع مسئولیت در این مورد بنا به نظر برخی از حقوقدانان این است که مرتکب به کاری دست می‌زند که هر انسان متعارفی آن را انجام می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۳۱۳). عده‌ای دیگر خطا نبودن دفاع مشروع را علت رفع مسئولیت (ابراهیم سعد، ۱۹۹۸: ۳۶۶) و عده‌ای دیگر دفاع مشروع را توجیه کننده تقصیر می‌دانند (قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۱) و بنا به نظر دیگر، استناد داشتن فعل زیانبار به مهاجم استناد پیدا می‌کند (باریکلو، ۱۳۸۵: ۸۷). به نظر می‌رسد اهمیت قاعده منع اضرار به دیگران در حدی است که گاهی می‌توان با اضرار بعدی و ثانوی، مانع اضرار اولیه شد و علت تجویز آن اضرار توسط قانونگذار، مقابله با اضرار عمدی اولیه است یا به تعبیر دیگر دفاع مشروع حالتی از حالات نفی مسئولیت فاعل فعل زیانبار است؛ زیرا که مدافع از مصلحت مهمتر و بزرگتری از مصلحت مهاجم دفاع کند (محمد الهیعی، ۲۰۰۴: ۱۰۸). دفاع مشروع در قوانین اغلب کشورها به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت مدنی شناخته شده است؛ از جمله در ماده ۲/۲۱۲ قانون مدنی عراق و ماده ۲۶۲ قانون مدنی اردن و ماده ۱۶۶ قانون مدنی مصر با یک مضمون مطرح شده است. البته تنها تفاوت قانون مدنی عراق با قوانین مصر و اردن در این است که طبق قانون عراق در دفاع مشروع باید خطر فوری، نفس خود مدافع یا نفس دیگری را تهدید کند در حالی که مطابق قانون مصر و اردن، دفاع مشروع برای جلوگیری از خسارات مالی خود یا دیگری نیز پذیرفته شده است (محمد الهیعی، ۲۰۰۴: ۱۱۱). مطابق مواد ۶۱ و ۶۲۵ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن دو، شرایط دفاع مشروع به شرح ذیل است:

- ۱- وجود خطری حال و فوری مال، جان و عرض شخص مدافع یا دیگری را تهدید کند.

۲- تجاوز و حمله باید نامشروع باشد. ۳- دفاع کننده امکان کمک گرفتن از قوای انتظامی یا سایر افراد را نداشته باشد. ۴- دفاع باید متناسب با حمله باشد و از حد لازم تجاوز نکند. ۵- در دفاع از دیگری باید شخصی که مورد حمله واقع شده خود از دفاع ناتوان باشد و تقاضای کمک کند و یا به کمک نیاز داشته باشد.

• در خصوص دفاع مشروع پلیس نکات ذیل قابل ذکر است: ۱- با توجه به اینکه پلیس مجهز به تجهیزات و سلاح است، غالباً دفاع مشروع او در مقابل زیان‌دیده قابل قبول نیست مگر اینکه طرف مقابل نیز مسلح باشد یا تهاجم به گونه‌ای باشد که امکان به کارگیری بموقع سلاح از پلیس سلب شود. ۲- پیشگیری پلیس از حمله احتمالی را نمی‌توان به عنوان دفاع مشروع تلقی کرد. ۳- بعد از اینکه به وسیله مهاجم حمله صورت گرفت، حمله متقابل پلیس را نمی‌توان دفاع مشروع قلمداد کرد. ۴- در مواردی که پلیس امکان کمک گرفتن از قوای کمکی داشته باشد ولی از آن خودداری کند و اقدامی را علیه مهاجم بکند، نمی‌توان این اقدام را دفاع مشروع دانست.

۸. نتیجه گیری

مهمترین نتیجه این تحقیق، تعیین مبانی قانونی مسئولیت مدنی پلیس و بررسی موردی موارد و مصادیق مسئولیت مدنی پلیس از جمله تعیین مسئولیت مدنی ناشی از تیراندازی، شکنجه، تعقیب و گریز، متوقف کردن وسایل نقلیه در محل غیر مجاز و فاقد دید، تعقیب و دستگیری غیر مجاز، تقصیر در اجرای احکام و دستور مراجع قضایی در قالب فعل و عدم کنترل لازم افراد بازداشت شده و دستگیر شده، عدم کنترل رانندگان وسایل نقلیه عمومی که آشکارا فاقد صلاحیت رانندگی هستند، کمک نکردن به افرادی که یا در معرض ارتکاب جرمی واقع شده‌اند یا جرمی علیه آنها در حال انجام است و پلیس با امکان کمک از حمایت آنها خودداری می‌کند؛ در هر مورد ضمن تعیین مبنای قانونی، شرایط لازم مشخص شده است. در خصوص مسئولیت مدنی پلیس به عنوان قاعده‌ای کلی می‌توان گفت در هر مورد که پلیس اقدام غیر مجاز یا همراه با خطایی انجام دهد و این اقدام موجب خسارت به اشخاصی شود که خود در ایجاد حادثه دخالت مؤثری نداشته‌اند، عهده‌دار جبران خسارت خواهد بود. علاوه بر این، مواردی که تحت عنوان

عوامل زایل کننده مسئولیت مدنی مطرح شده با نگرشی کاربردی به فعالیتهای پلیسی مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از موارد مهمی که در حقوق سایر کشورها رافع مسئولیت مدنی است، پذیرش خطر توسط زیان دیده است که در حقوق کامن لا به عنوان یکی از قواعد رافع مسئولیت مدنی مطرح شده است. به موجب آن اگر فردی خود، خطر زیان یا خسارت یا صدمه را پذیرا باشد یا به تعبیر دیگر خودش را در معرض خسارت قرار دهد، نمی تواند علیه کسی که موجب خسارات وارد شده به او یک دعوی همراه با موفقیت مطرح کند. این اصل را در رفع مسئولیت مدنی پلیس نیز به کار برده اند، بویژه در موردی که فردی در مقابل دستور پلیس فرار کند؛ در این صورت فرار او به پذیرش خطر توسط او تعبیر می شود و باید هرگونه خسارت و صدمه را خود تحمل کند. به نظر می رسد این اصل از قاعده اقدام در حقوق ایران عام تر است؛ زیرا اعمال این قاعده به عدم تقصیر وارد کننده خسارت منوط است در حالی که اصل پذیرش خطر توسط زیان دیده شامل موردی می شود که عامل حادثه زیانبار، تقصیر داشته باشد؛ از جمله در موردی که پلیس نسبت به تعقیب مجاز نباشد ولی همین که در مقابل تقاضای پلیس مبنی بر بازرسی یا دستگیری، فرار کند و پلیس بعد از اخطار به سوی او تیراندازی کند یا دچار حوادث دیگر شود، پلیس فاقد مسئولیت است. فلسفه چنین قاعده ای ترجیح حفظ نظم و امنیت نسبت به حقوق فردی است. هر چند پلیسی که چنین اقدامات غیر مجازی می کند از نظر اداری مسئول است و بموقع و متناسب با تخلف صورت گرفته با او برخورد می شود، ولی فاقد مسئولیت مدنی است و این وضعیت باعث می شود پلیس بدون هیچ گونه محافظه کاری به عنوان مجری مستقیم نظم و امنیت از آن حراست کند.

۹. پیشنهادها

- با توجه به لزوم مصرف هر هزینه ای برای اهداف مورد نظر آن، پیشنهاد می شود با توجه به اینکه بهترین محل مصرف وجوه دریافتی بابت جزای نقدی هزینه های مربوط به نظم عمومی است، قسمتی از این درآمدها برای پرداخت خسارات ناشی از فعالیتهای پلیسی که برای حفظ نظم عمومی لازم و ضروری است، صرف شود. البته با لحاظ مقررات دقیق در این مورد مخصوصاً جبران خسارات مالی ناشی از حوادثی که پلیس

در به وجود آوردن آن حوادث مقصر یا فاقد تقصیر باشد به عنوان مثال تقصیر نیز درجه بندی شده و در صورت تکرار تقصیر او خود عهده‌دار مسئولیت گردد.

• با توجه به شرایط خاص فعالیتهای پلیسی و تأثیر مسلم تعیین قواعد و موارد معافیت مسئولیت مدنی این فعالیتها در حفظ نظم و امنیت عمومی و به منظور نا امن کردن هر چه بیشتر محیط برای مجرمان و ناقضین نظم عمومی و کاهش خطر فعالیتهای پلیسی و در عین حال اصلاح رفتار به علت امکان پیش بینی نتایج ناشی از اعمال پلیسی از جهت مسئولیت مدنی، پیشنهاد می‌شود مقررات خاص مسئولیت مدنی پلیس توسط قانونگذار وضع شود. برای اینکه پلیس بهتر بتواند مأموریتهای خود را که مرتبط با نظم عمومی است و توجه به اینکه تا حدی امکان خطا و ایجاد حوادث زیانبار ناشی از آن اجتناب ناپذیر است، انجام دهد، در این قبیل موارد بهتر است دولت عهده دار مسئولیت مدنی شود تا هم خسارت زیاندیدگان جبران شود، هم محافظه کاری بیش از حد پلیس به منظور جلوگیری از مسئولیت مدنی خود، مانع لطمه به نظم و امنیت نشود.

۱. آشوری، محمد (۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری (ج اول)، تهران: انتشارات سمت.
۲. باریکلو، علی رضا (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات میزان.
۳. پاتریس، ژوردن (۱۳۸۲). اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، تهران: انتشارات میزان.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲). مجموعه محشی قانون مدنی، تهران: گنج دانش.
۵. جامپیون، جونیور، واتر، تی (۱۳۸۳). ترجمه حسین آقایی‌نیا، مسئولیت مدنی در ورزش، تهران: انتشارات دادگستر.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). الفارق دائره‌المعارف عمومی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۷. الحسنی المرافی، سید میرعبدالفتاح (۱۳۸۵). ترجمه محمد جوادشریعت باقری، عناوین ضمان، تهران: انتشارات میزان.
۸. قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۶). الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران: انتشارات میزان.
۹. طباطبایی مؤتمنی (۱۳۷۸). مبانی مسئولیت مدنی، تهران: نشر دادگستر.
۱۰. عباسلو، بختیار (۱۳۸۶). مسئولیت مدنی ناشی از سوانح رانندگی، تهران: انتشارات میزان.
۱۱. العوجی، مصطفی (۲۰۰۴). المسئولیه المدنیه، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.
۱۲. غمامی، مجید (۱۳۷۶). مسؤولیت مدنی دولت نسبت به کارکنان خود، تهران: انتشارات نشر دادگستر.
۱۳. نبیل، ابراهیم‌سعد (۱۹۹۸). النظریه العامه لالتزام، الجزء الاول، لبنان: دارالنهضة العربیه.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). الزامهای خارج از قرارداد ضمان قهری، ج اول، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. اللهیبی، محمد؛ صالح احمد (۲۰۰۴). المباشرو المتسبب فی المسؤولیه التقصیریه، عمان: دارالثقافه للنشر و التوزیع.
۱۶. لوراسا میشل (۱۳۷۵). ترجمه محمد اشتری، مسؤولیت مدنی، تهران: نشر حقوقدان.

1. Vivinne Harpwood(2004).Modern,Tort law,fifth Edition,Cavendish publishing limited ,London.
2. Bryan A.Garner, (2002).Blacks Law Dictionary, west Group,u,s,a
3. The failure of law enforcement the law ,Michael A,Dean April,1998.
anMichael A.Dean,1998.
- 4.<http://www.masslawhelp/legal-info/index.php?sw=3122&full-id=202>.
5. <http://faculty.ncwc.edu/toconnor/205/205lect12.htm>.
6. http://en.wikipedia.org/wiki/Assumption-of_risk
7. Kenneth Smith Denis Jkeenan English Law,Pitman Publishing ,London,1973

